

دادرسی افتراقی جرائم منافی عفت

مینا خورشیدی مطلق^۱، محمدرضا الهی منش^{۲*}

^۱ دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

^{۲*} استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران

*نویسنده مسئول

چکیده

جرائم منافی عفت یکی از جرائم دارای دادرسی افتراقی در فرایند دادرسی کیفری ایران است. افتراقی بودن دادرسی به معنای متمایز بودن قواعد و مقررات حاکم بر دادرسی در حوزه خاصی با قواعد و مقررات عام دادرسی می‌باشد. هرچند قانون‌گذار به‌طور مستقیم دادرسی افتراقی جرائم منافی عفت را بیان نمی‌کند، ولی سیاست جنایی بزه پوشی در اسلام که به حفظ هویت و شخصیت انسان توجه بسیاری دارد، موجب تدوین دادرسی افتراقی این جرائم شده است. لذا، نوشتار حاضر به تبیین و توجیه رویکرد قانون دادرسی کیفری در پیروی از سیاست بزه پوشی اسلام در رویارویی با جرائم منافی عفت می‌پردازد. در این راستا، موارد استثنا بر سیاست بزه پوشی و نحوه تعقیب و تحقیق این‌گونه از جرائم مطابق با قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: آیین دادرسی، سیاست جنایی، جرائم جنسی.

مقدمه

وجدان و اخلاق عمومی همواره ارتکاب جرم را عملی غیراخلاقی و ناپسند می‌داند. در این میان برخی از جرائم که تحت عنوان جرائم منافی عفت یا جرائم خلاف اخلاق حسنه شناخته می‌شوند؛ به سبب آثار تخریبی عمیق و عوارض شدید آن که از دیرباز جایگاه بسیار مهمی در نظام قانون‌گذاری کیفری اکثر جوامع و کشورها داشته است، بیش از سایر جرائم وجدان و اخلاق عمومی را جریحه‌دار می‌کنند. چراکه موضوع آن خصوصی‌ترین حریم انسان است و تعرض به آن آثار زیان‌بار فردی و اجتماعی را به دنبال دارد. از این رو برای مواجهه با آن نیاز به توجه ویژه به ابعاد حقوقی، جامعه‌شناختی و جرم‌شناسی داشته که به صورت دادرسی افتراقی در قانون ایران انعکاس یافته است. دادرسی افتراقی، شیوه‌ها و روش‌هایی است که به وسیله آن، دولت‌ها پاسخ‌های کیفری و غیرکیفری خود را در مورد پدیده مجرمانه، براساس شرایط و مقتضیات گونه‌های مختلف بزهکار و بزه‌دیده و بزه‌سازماندهی می‌کنند.

از این رو، اولین مساله ای که در دادرسی افتراقی جرائم منافی عفت به نظر می‌رسد، دلیل به کارگیری سیاست بزه‌پوشی و عدم تجسس در حریم خصوصی افراد نسبت به این جرائم می‌باشد که از افشای غیر ضروری، قبح زدایی، عادی سازی و در نهایت رواج آنها پیشگیری می‌نماید. البته در موارد استثنایی که مصلحت وجود تعقیب و تحقیق بیشتر از سیاست بزه‌پوشی است، از آن عدول کرده و مطابق با عموماًت به آن رسیدگی می‌شود. بنابراین، هدف از نگارش مقاله حاضر، بیان دیدگاه سیاست جنایی اسلام نسبت به این جرائم و اعمال موارد استثنا به لحاظ مصلحت و مقتضیات جامعه می‌باشد و از این جهت، بررسی و پرداختن مبنایی به آنها از ضروری‌ترین اولویت‌های پژوهشی است. لذا، با توجه به جنبه سیاسی-اسلامی تحقیق از روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتابخانه‌ها استفاده شده است.

مفاهیم

به منظور شناخت مفهوم دادرسی افتراقی در جرائم منافی عفت، در ابتدا می‌بایست به تعریف هر کدام از واژه‌ها پرداخت.

افتراق

افتراق کلمه‌ای عربی از ریشه «فرق» به معنای جدا کردن است. راغب اصفهانی آن را قریب به «فلق» می‌داند و فلق را به اعتبار انشقاق و شکافته شدن و فرق را به اعتبار انفصال و جدایی می‌داند. در لغت نامه دهخدا نیز افتراق به معنای از یکدیگر جدا شدن و پراکنده گردیدن آمده است.

منافی عفت

عفت در لغت به معنای پاکدامنی، پرهیزگاری، پارسایی و احتراز از محرمات خصوصاً از شهوات است. در اصطلاح حقوقی عفت به معنی رام شدن قوه شهوت در پیشگاه عقل است به گونه‌ای که تحت امر و نهی آن قرار گیرد. منافی در لغت به معنای ضد، مخالف و طرد کننده است.

جرایم منافی عفت

قانون‌گذار تعریفی از جرائم منافی عفت ارائه نکرده است، بلکه صرفاً به احصای مصادیق آن پرداخته است و حتی در برخی موارد احصاء مقنن حصری نبوده، بلکه تمثیلی می‌باشد. به نظر می‌رسد که منظور قانون‌گذار از جرم منافی عفت عبارت است از هر گونه رفتار جنسی خارج از محدوده نکاح میان دو یا چند نفر که ناشی از غریزه جنسی باشد، خواه این التذاذ جنسی برای هر دو یا برای یکی از دو طرف باشد. رفتار مذکور بر خلاف عرف معمول بوده و اکثریت مردم با انجام آن عمل همگامی ندارند.

تبصره ماده ۳۰۶ قانون آیین داری کیفری به تعیین برخی مصادیق جرائم منافی عفت پرداخته است: «منظور از جرائم منافی عفت، جرم جنسی حدی و جرائم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است.» همچنین در ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ بیان نموده است: «... روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل و مضاجعه ...»

با توجه به این ماده، قانون‌گذار برای روشن نمودن مرادش از عمل منافی عفت به مثال‌های زنا، لواط، جرائم جنسی حدی، تقبیل و مضاجعه اشاره نموده و با واژگان «از قبیل»، «سایر جرائم» و «مانند» دست‌مقام قضایی را در تعیین دیگر مصادیق جرم منافی عفت باز گذارده است. اما این اختیار بی‌حد و اندازه نیست، بلکه لازم است مصادیقی که از آنها نام برده شده است، با معیارها و ویژگی‌های مصادیق مذکور مطابقت داشته باشد.

جرائم فوق‌الذکر جرایمی هستند که در آنها رفتار جسمی و فیزیکی وجود داشته که ناشی از غریزه و التذاذ جنسی است. در واقع، یک عمل مادی است و نه صرف لفظ و این رفتارها محدود به روابط مرد و زن نیست. به عبارت دیگر اختلاف جنسیت در جرائم منافی عفت شرط نیست. بنابراین، جرائم منافی عفت در حقوق ایران همان رابطه نامشروع است که به دو دسته تقسیم گردیده اند: ۱- جرائم منافی عفت مستوجب حد ۲- جرائم منافی عفت مستوجب تعزیر.

مبنای سیاست گذاری تقنینی

افتراقی‌سازی، لایه بندی یا طبقه بندی سازی سیاست جنایی به عنوان یک راهبرد جدید، در واقع در ربع آخر سده بیستم وارد مطالعات سیاست جنایی شد. راهبرد افتراقی سازی سیاست جنایی در آغاز با رهیافت دو قطبی سازی یا دو گانه سازی مقابله با بزهکاری شروع شد. بر این اساس، بزهکاران مکرر یا خطرناک باید از بقیه بزهکاران تفکیک شوند. ولی دیری نپایید که در گام دوم، چند شاخه و چند گانه شدن یا افتراقی سازی چند جانبه سیاست جنایی به عنوان راهبرد جدید مطرح شد. افتراقی سازی تقنینی سیاست جنایی عمدتاً در سه قالب گونه شناسی جرائم، گونه شناسی بزهکاران و گونه شناسی بزه دیدگان صورت می‌گیرد. بر اساس سیاست جنایی افتراقی بر پایه بزه، آیین دادرسی و ضمانت اجراها و نحوه اعمال آنها از اصول عمومی قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری پیروی نمی‌کند. جرائم منافی عفت یکی از جرایمی است که افتراقی شدن دادرسی در قانون آیین دادرسی کیفری آن به تصویب رسیده است. بر این اساس دادرسی افتراقی در جرائم منافی عفت، بر مبنای آیین دادرسی خاص صورت می‌پذیرد. لذا بر اساس قواعد کلی، تمام جهات شروع به تعقیب دعوای عمومی می‌تواند آغاز کننده تعقیب جرائم منافی عفت باشد. ولی برای این دسته از جرائم، قوانین و مقررات خاصی تدوین شده است. از جمله این قوانین، که بر اساس ضروریات، مقتضیات و بر مبنای سیاست کیفری جامعه اسلامی شکل گرفته قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد که به‌طور مشخص در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص ممنوعیت تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت و نیز در ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری به رسیدگی مستقیم به جرایم منافی عفت در دادگاه اشاره می‌کند.

سیاست «ستر عیوب»، «منع تجسس» و «بزه پوشی» در اسلام یک سیاست کلی و عام دانسته شده است و پوشاندن خطای خود و سایر مومنان در آموزه های دینی توصیه شده و در کتاب و سنت به طور ویژه ای بر بزه پوشی جرائم منافی عفت حساسیت نشان داده است و در زمینه کشف و تحقیق و اثبات این جرائم تلاش چندانی به چشم نمی خورد.

«ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه فی الذین امنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و الاخره واللّه یعلم و انتم لا تعلمون» «نور/ آیه ۱۹»

«همانا کسانی که دوست دارند در میان اهل ایمان کار منکری اشاعه و شهرت یابد، آنها را در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود و خدا می داند و شما نمی دانید.»

«یا ایها الذین امنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم و لا تجسسوا...» «حجرات/ آیه ۱۲»

«ای کسانی که ایمان آورده اید از بسیاری از گمان ها بپرهیزید که برخی از آنها گناه است و (در کار دیگران) تجسس نکنید...»

در اخبار و روایات متعدد نیز مضمون سیاست ستر عیوب و بزه پوشی از خود و دیگران در جامعه اسلامی آمده است و معصومین (ع) اقرار به گناه حتی در نزد امام و نیز تشویق دیگران به اقرار را نکوهش کرده اند و در عمل نیز از استماع اقرار اعراض می نموده اند. در مرفوعه احمد آمده است: «بسیار قبیح است که شخصی فحشایی را مرتکب شود، سپس با افشای آن، خود را در میان مردم بی آبرو نماید، چرا چنین شخصی توبه نمی کند؟ به خدا قسم توبه او بین خودش و خدایش برتر از اقامه حد از سوی من بر او است.» در خبر اصبح آمده که مردی نزد امیرالمومنین (ع) اقرار کرد: «من زنا کرده ام پاکم کن.» پس امام از او روی گرداند سپس رو به به جماعت کرد و فرمود: «چرا شخصی که مرتکب این سیئه شده است، عاجز از پوشاندن آن است؛ آنگونه که خداوند آن را پوشانده است.» امام با این بیان می خواهد او را ترغیب به عدم اقرار نماید و نیز در خبر ابی العباس آمده است: «اگر بیوشانید سپس توبه نماید برای او بهتر است.» حضرت رسول (ص) می فرمایند: «اگر تو درصدد پی جویی و کشف اسرار و یا لغزش های مردم باشی در این صورت آنان را به فساد کشانیده و یا به آن نزدیک ساخته ای.»

به ظاهر، هدف از منع تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت که برگرفته از سیاست بزه پوشی اسلام در مواجهه با این جرائم است و ریشه محکمی در فقه دارد و قواعدی همچون قاعده درء مقتبس از آن است؛ جلوگیری از انتشار اخبار مربوط به این جرایم و اشاعه فحشاست. به باور برخی حقوق دانان، فلسفه ممنوعیت دادسرا از تحقیق در خصوص پرونده های منافی عفت، حفظ مصلحت عمومی، سیانت از نظم و اخلاق حسنه و جلوگیری از شیوع فساد می باشد. بزه پوشی علت دیگری نیز دارد و آن جلوگیری از زوال قبح عمل در جامعه است، به این معنا که وقوع گناه و جرم در سطح جامعه یک اثر دارد و افشای آن اثر دیگری به دنبال داشته و استفاده گسترده از مجازات سبب از بین رفتن قبح و زشتی آن می گردد. اما، بزه پوشی موجب آن می گردد که قبح ذاتی فحشا محفوظ بماند و افراد مرتکب، فرصت یابند تا با تفکر، به زشتی عمل خود پی ببرند و عزم توبه و اصلاح خویش نمایند. برخی دیگر بر این باورند مهم ترین توجیهی که موجب شده تا قانون گذار نگاه ویژه ای به جرایم جنسی داشته باشد، رویکردهای سخت گیرانه در عدم اثبات و به تبع آن عدم افساء می باشد.

در واقع در جرائم منافی عفت، غالباً جنبه حق الهی آن بر جنبه خصوصی آن غلبه دارد؛ بنابراین در نظام کیفری اسلام نسبت به جرایمی با این خصوصیت، نه تنها بر اثبات جرم تاکید نمی شود، بلکه برعکس تلاش می شود تا جرم اثبات نشود و فرصت اصلاح و توبه برای فرد باقی بماند.

استثنائات وارده بر سیاست بزه پوشی جرائم منافی عفت

از آنجا که ضرورت تأمین حقوق مردم و نیز ترمیم خسارات و زیانهای بزه دیدگان در حقوق اسلام مورد تأکید جدی است و تحقق این امر، منوط به افشای تجاوز و معرفی متجاوز است، لذا دادخواهی ستمدیده و اظهار آنچه مجرم با وی کرده است، اگرچه در نهان مرتکب شده باشد، از موارد جواز تجسس و اظهار تبهکاری قلمداد شده است. به عبارتی، قاعده منع تحقیق و تعقیب برای اثبات جرم منافی عفت هنگامی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده، یا دارای شاکی یا به عنف و یا سازمان یافته باشد تخصیص می خورد و در حقیقت وجود این شرایط آنچنان مهم است که ارتکاب جرم قابل اغماض نمی باشد. بنابراین، امکان مداخله بزه دیده در جریان تعقیب به منظور احقاق حقوق وی به رسمیت شناخته شده و در این راه نه تنها نهان سازی جرم ممنوع نشده، بلکه متهم مکلف است در محاکم حضور یافته و پاسخگو باشد. و به خصوص در مواردی که جرم ارتکاب یافته بزه دیده مستقیم دارد، هر گونه تلاش برای عدم اثبات جرم و یا تبرئه متهم، ستمی مضاعف بر بزه دیده خواهد بود.

وجود شاکی خصوصی

بزه پوشی در حقوق الله و عدم جواز آن در حقوق الناس امری است که مورد اتفاق تمام فقها می باشد. اما چنانچه پای حق دیگری در میان باشد، نه تنها نسبت آن چشم پوشی و مسامحه روا نیست، بلکه قاضی موظف به کشف حقیقت و دفاع از حقوق خصوصی افراد است. ضرورت تأمین حقوق بزه دیده و ترمیم خسارات و زیان های او در حقوق اسلام مورد تأکید جدی قرار گرفته است و به همین دلیل دادخواهی و اظهار ستمی که بر او رفته از موارد تجسس قلمداد شده است، حتی اگر جرم ارتكابی در خفا رخ داده باشد.

«و لمن انتصر بعد ظلمه فاولئك ما عليهم من سبيل» «شوری/ آیه ۴۱»

«و همانا آنکه یاری جوید پس از آنکه بر او ستمی رفته است بر او هیچ مواخذه ای نیست.»

«لا يحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و كان الله سميعا عليما» «نسا/ آیه ۱۴۸»

«خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود بدی ها را اظهار کند مگر آنکس که مورد ستم واقع شده باشد.»

بنابراین در سیاست جنایی اسلام، همانطور که بر اصل بزه پوشی تأکید فراوان شده است، بر اصل حمایت از بزه دیده و جبران تالامات روحی و خسارات مادی وی نیز تأکید بسیاری شده است و هرگاه اصل بزه پوشی با اصل حمایت از بزه دیده تراحم کند، عدم تجسس و ستر برداشته می شود و امری که فسادش بیشتر است توسط امری که فسادش کمتر است دفع می شود. به همین جهت شیخ طوسی می فرماید: «هنگامی که گناه آشکار و ظاهر است، فایده ای در ترک تعقیب آن نیست.»

در حال حاضر در فرآیند رسیدگی کیفری نیز حفظ حقوق بزه دیده با حمایت های اجرایی گره خورده است و آن عبارت است از حمایت هایی که از جانب حاکمیت، دولت، سازمان ها، نهادها و ارگان های عمومی یا خصوصی به هدف حمایت از بزه دیده به عمل می آید. در این میان جرائم منافی عفت علاوه بر آثار و تبعات جسمی و روانی فردی، اثرات زیانباری نیز در جامعه باقی می گذارد. بزه دیدگان این جرائم که می توانند تمام افراد جامعه باشند، اما، کودکان که طبیعتاً از قدرت بدنی کمتری برخوردارند و زنان نیز که به واسطه موقعیت خود بیشتر در معرض چنین جنایاتی قرار خواهند گرفت، لطمات بسیار عمیق تری می بینند و می بایست مورد حمایت بیشتری قرار گیرند.

بزه دیدگان این جرائم حتی در مرحله عدالتخواهی و احقاق حقوق خود نیز آزار می بینند و مسیر سختی را پیش روی خواهند داشت، چراکه مثلاً بازگو کردن موقوف جرم برای بانوان به خودی خود آزار دهنده است یا تشریح و تبیین ماجرا برای کودکان بسیار سخت است. همچنین انتشار این اخبار، حیثیت و آبروی بزه دیده را تهدید کرده و نیز پرسیدن از برخی جزئیات جرم واقع شده در جلسه محاکمه موجب آزار و اذیت مجدد بزه دیده می شود و گاهی شرم و حیای او مانع از پاسخگویی می گردد. حتی این مساله منحصر به دو گروه کودکان و بانوان نیست، و گروهی از اقشار جامعه نیز برای اثبات ادعای خود درباره بزه دیدگی و درخواست جبران خسارت، با مشکلاتی مواجه هستند که کمتر مورد پذیرش و مقبولیت واقع می شوند.

بر این اساس، تدابیر مشاوره ای، درمانی و قضایی حمایتی ویژه ای نیاز است تا این بزه دیدگان را به اقدامات لازم برای پیگیری قضایی ستمی که به آنان رفته است راهنمایی نماید و آسیب های جسمی و روانی آن ها را ترمیم کند و پیگیری قضایی را تسهیل کرده و محذورات مذکور را بر طرف نماید.

وقوع جرم در مرئی و منظر عام

جرم ارتکاب یافته در مرئی و منظر با جرم مشهود، محتوا و مفهوم واحدی ندارند. در واقع منظور از جرائم مشهود منحصر به موردی که جرم در مرئی و منظر عمومی واقع شود، نیست. بلکه مصادیق متعدد دیگری را نیز در بر می گیرد که گاهاً ویژگی علنی بودن را ندارند و دامنه گسترده تری از جرائم ارتكابی در مرئی و منظر عام دارد. مشهود بودن دارای دو معنای لغوی و اصطلاحی است. در معنای لغوی به معنای مرئی و منظر است. مرئی و منظر نیز ممکن است عام باشد یا خاص. منظور از ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مرئی و منظر عام است که به نظر می آید با سیاست جنایی اسلامی و آموزه های شرعی هم خوانی دارد. بنابراین، مرئی و منظر عام اعم از مکانی است که معمولاً مهیای حضور عمومی است، حتی اگر در لحظه وقوع جرم کسی در آن محل حضور نداشته باشد (مانند کوچه و خیابان) یا مکانی که مهیای پذیرش عمومی نیست، ولی در برابر دیدگان چند نفر (سه نفر یا بیشتر واقع شود، مانند ارتکاب عمل منافی عفت در منزل شخصی، اما در مقابل چند نفر. و افرادی که با ارتکاب جرم منافی عفت در انتظار عمومی در حفظ و کرامت و شان انسانی بی مبالات باشند، تعقیب و تحقیق نسبت به آنها ممنوعیتی نخواهد داشت.

وقوع جرم به عنف

جرم منافی عفت به عنف آن است که بزه دیده در ارتکاب جرم فاقد اراده باشد. جرم منافی عفت به اکراه آن است که بزه دیده در ارتکاب جرم دارای اراده است، ولی فاقد آزادی رفتار می باشد. تحقق عنف همیشه با سلب اراده از بزه دیده همراه نیست، گاه اختیار و رضای بزه دیده سلب می شود. در واقع، همواره فقدان اراده در بزه دیده نیست که ماهیت عنف را تشکیل می دهد؛ در برخی موارد به رغم عدم زوال اراده در بزه دیده، فعل مرتکب مصداق عنف تلقی می شود. در این حالت آنچه سبب اطلاق عنف بر عمل مرتکب می گردد، عدم رضایت بزه دیده است. به عبارت دیگر، اگرچه بزه دیده دارای اراده بوده و مرتکب اقدامی از حیث زوال اراده بزه دیده انجام نداده است، اما چون اراده بزه دیده معیوب است و مقتضی رضایت صحیح، اراده ای عاری از عیب می باشد، رضایت وی مانع تحقق عنف نیست.

در این میان، که بزه پوشی و ترک تعقیب مجرمان می تواند موجبات تضییع حقوق عمومی را فراهم ساخته، مصالح جامعه اسلامی را زایل و پایه های حاکمیت را متزلزل نماید؛ از جمله صلاحیت های قدرت سیاسی در نظام اسلامی، پیش بینی تدابیر و تنظیم قواعد و مقرراتی است که با هدف صیانت از شئون حاکمیت، حفظ منافع عمومی و تنسیق روابط انسانی متناسب با تحولات و دگرگونی های اجتماعی تدوین می گردد. از این قواعد که خارج از تصریح نصوص شرعی است، به عنوان احکام حکومتی یاد می

شود. از این رو حکومت به منظور تامین منافع و مصالح عمومی در اتخاذ تدبیر بزه پوشی و یا تاکید بر تعقیب مجرم لازم است مناسب ترین اقدام را برگزیند. بنابراین، بزه پوشی ارتکاب جرائم منافی عفت به عنف که گستره ای فراتر از نقص حقوقی خصوصی افراد دارد، نه تنها آثار مثبتی به همراه ندارد، بلکه موجب اشاعه فحشا خواهد شد. ضرورت تعقیب و تحقیق در این موارد به جهت خطر بزرگی است که اجتماع را تهدید می نماید و لذا نجات جامعه خود هدف مستقلى است که در تقابل با بزه پوشی مورد توجه قرار می گیرد.

وقوع جرم به صورت سازمان یافته

اصولاً جرم سازمان یافته در قانون ما تعریف نشده تنها در عنوان فصل چهارم در بخش سوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به «گروه سازمان یافته» تصریح شده است. مطابق تبصره ماده ی ۶۰ این قانون گروه مجرمانه اینگونه تعریف شده است: «گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر است که برای ارتکاب جرم تشکیل می شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می گردد.» مهم ترین ویژگی جرائم سازمان یافته، شدت جرم است. سازمان ها و گروه های مرتکب جرائم سازمان یافته برخوردار از ویژگی هایی چون غیر ایدیولوژیک، وجود سلسله مراتب، استمرار در طول زمان و استفاده از ارباب و خشونت هستند. بنابراین، ارتکاب جرائم سازمان یافته، جرم را از شکل نخستین آن خارج کرده و به دلیل توانایی مالی، انسانی و به کار گیری شگردهای پیچیده برای نیل به اهداف مجرمانه خود، نظام های سیاسی و جامعه بین المللی را در معرض نا امنی و مخاطره قرار داده و آثار زیان بار شدیدی بر فرهنگ، اخلاق، اقتصاد و امنیت یک جامعه بر جای می گذارد. در این میان، جرائم منافی عفت سازمان یافته از نظر ماهیت، شدت، انگیزه، اهداف و تشکیلات سازمانی با سایر جرائم منافی عفت متفاوت هستند. آثار مخرب و گسترده این نوع جرائم نسبت به اجتماع باعث می گردد سیاست جنایی کشورها همواره مبتنی بر شدت و سخت گیری باشد، بزه پوشی نسبت به آنها کنار گذاشته شود، تعقیب و تحقیق پیرامون آن بلامانع باشد و نجات جامعه به عنوان یک هدف مستقل و برتر در مقابل بزه پوشی قرار گیرد.

قابل ذکر است، با گسترش جرم های منافی عفت در سطح جامعه بدیهی است جرم های مذکور به شکلی سازمان یافته ارتکاب یابد و با تشکیل باندهای تبهکاری افراد زیادی جذب این گروه ها شده و زمینه های گسترش فعالیت های مذکور در سطح درون مرزی و برون مرزی فراهم آید.

تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت:

یکی از مهمترین مراحل در دادرسی های کیفری مرحله تحقیق است. این مرحله عبارت از اقداماتی است که از سوی مقام قضایی یا ضابطین دادگستری رأساً، یا به دستور و حسب ارجاع مقامات قضایی، به منظور کشف جرم، تعقیب و دستگیری متهم، جلوگیری از فرار وی، حفظ آثار و ادله جرم، تحقیق از شهود و مطلعین، جمع آوری اطلاعات و دلایل اعم از دلایل اثبات جرم و دلایل مفید به حال متهم، با توجه به اصل برائت و اظهار نظر در مورد دلایل توجه اتهام به او صورت می پذیرد، و هدف اصلی آن آماده سازی پرونده و تسهیل و تسریع رسیدگی در دادگاه است. منظور از تحقیق قضایی، صرفاً تحقیق توسط مقامات تحقیق در مرحله مقدماتی نیست بلکه منظور تحقیق توسط مقامات قضایی در فرآیند دادرسی کیفری است. برخی از این اقدامات عبارتند از: تحقیق از شاکی، تحقیق از شاهد یا مطلعین، جلب متهم، بازجویی از متهم، جمع آوری اطلاعات و دلایل و امارات جرم، تفتیش اماکن و معاینه محل، تحقیقات محلی، جلب نظر کارشناس، نیابت قضایی، صدور قرارهای تأمین کیفری و صدور قرارهای نهایی (قرار منع تعقیب، قرار موقوفی تعقیب قرار ترک تعقیب و قرار مجرمیت). تحقیق در جرائم منافی عفت را می توان هرگونه اقدام قضایی برای کشف جرم و اثبات آن یا انتساب آن به شخص یا اشخاص تعریف کرد. تعریفی که حقوقدانان از تحقیقات مقدماتی ارائه داده اند، نیز مؤید

این معنا است. ماده ۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در این خصوص مقرر داشته است: «تحقیقات مقدماتی تمام جرائم بر عهده بازپرس است.» قانون‌گذار بر خلاف عموم جرائم که متصدی تحقیقات مقدماتی آنها را بازپرس معرفی نموده است، مطابق قسمت آخر ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری تحقیق در جرائم منافی عفت را منحصر در شخص قاضی دادگاه دانسته است و بازپرس صلاحیت تحقیق در این‌گونه از جرائم را ندارد. ماده ۳۰۶ این قانون نیز مقرر می‌دارد: «به جرائم زنا و لواط و سایر جرائم منافی عفت به‌طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود.» از این‌رو با وحدت ملاک از تبصره ۲ ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص ارتکاب جرم مشهود، ضابطان دادگستری فقط حق دستگیری متهم و حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل وقوع جرم را دارند، لکن اجازه تحقیق از متهم را ندارند و موظف اند که متهم را فوراً تحویل دادگاه دهند. زیرا از تبعات فساد تعقیب و تحقیق دادرسی، ورود بسیاری از مقامات و ضابطان قضایی در امور خصوصی افراد است.

منظور از رسیدگی مستقیم، مراجعه مستقیم شاکی یا ارسال مستقیم گزارش وقوع جرم از سوی ضابطان به دادگاه نیست، بلکه اصولاً شاکی باید شکایت خود را به دادستان تقدیم نماید و ضابطان نیز پس از اطلاع از وقوع جرم آن را به دادستان اعلام کنند. چراکه تشخیص مصادیق طرح مستقیم پرونده در دادگاه امری تخصصی است که نباید به مراجعان و ضابطان دادگستری واگذار کرد. بنابراین، دادرسی باید همه شکایات و گزارش‌ها را دریافت نموده و در صورت تشخیص انطباق اتهام با جرائم منافی عفت بدون هیچ اقدام تعقیبی و یا تحقیقی، پرونده را مستقیماً به دادگاه ارسال کند.

محدودیت مقام قضایی در تحصیل دلیل

قانون‌گذار در ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً به ممنوعیت مقامات دادرسی در امر تعقیب و تحقیق و محدود نمودن استثنائات اصل ممنوعیت تجسس اکتفا نکرده و ضمن ایجاد تکلیف برای قاضی دادگاه مبنی بر تعقیب و تحقیق جرائم منافی عفتی که شاکی خصوصی داشته یا در مرئی و منظر عام یا به‌صورت عنف و یا سازمان یافته واقع شده است، محدودیت دیگری نیز مقرر نموده است که بر اساس آن قاضی دادگاه در امر تعقیب و تحقیق دارای اختیارات تام نیست. بلکه باید تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و اوضاع و احوال مشهود انجام شود. این ظرافت قانون‌گذاری که در قوانین گذشته سابقه نداشته، ناظر بر آن است که قاضی حق ورود به حریم خصوصی متهم را بیش از محدوده‌ای که قانون اجازه داده است، ندارد. زیرا این اقدام خروج از اصل بزه پوشی و ممنوعیت تجسس است و خروج از اصل نیازمند دلیل است که در این موارد چنین دلیلی وجود ندارد. لازم به ذکر است، قانون‌گذار به بیان این محدودیت به عنوان یک قانون ارشادی اکتفا نکرده، بلکه در ماده ۱۰۶ همین قانون، تخلف از آن را موجب محکومیت انتظام مقام قضایی تا درجه چهار دانسته است. وجود این ضمانت اجرا نشان از احترام به کرامت، شرافت و آبروی انسانی دارد. ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی در راستای تأکید بر این محدودیت بیان نموده است: «در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم هر گونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است. ...» به این ترتیب به صرف انکار متهم و فقدان ادله قانونی، انجام هر گونه تحقیق جهت کشف و اثبات، فاقد وجهت قانونی است. بنابراین، سیاست بزه پوشی نه تنها در مراحل تعقیب و تحقیق بلکه در جریان محاکمه هم لازم‌الرعایه است. اما قانون‌گذار به جهت جلوگیری از سوء استفاده متهمان از فقدان ادله شرعی و رعایت حقوق بزه دیده، مجوز تحقیق در امور پنهانی را در موارد عنف، اکراه، آزار، ربایش، اغفال یا موارد در حکم عنف صادر نموده است.

جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند تعقیب و تحقیق

ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری در پی تحولات بزه دیده‌شناسی حمایتی، به برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد اجازه اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی را نسبت به جرایمی که در حیطه موضوع، فعالیت و اساسنامه آنها رخ می‌دهد، داده است. بر اساس

ماده مذکور، از آنجا که سازمان های مذکور خود بزه دیده نیستند، نمی توانند به عنوان شاکی تقاضای تعقیب نمایند بلکه موقعیت اعلام کننده جرم را دارند. اما این سازمان ها در پی اعلام جرم، حق شرکت در مراحل دادرسی را دارند. اما حمایت سازمان های مربوطه در جرائم منافی عفت محدود به اعلام جرم و ارائه دلیل گردیده است و از حق حضور در جسات رسیدگی محروم هستند. عدم امکان حضور در جلسات رسیدگی در جهت عدم انتشار و اشاعه جریان دادگاه، غیر علنی بودن و در نتیجه بزه پوشی نسبت به این جرائم است.

نتیجه گیری

دادرسی افتراقی جرائم منافی عفت بر پایه سیاست بزه پوشی اسلام قرار دارد و ممنوعیت آن در کشف امور پنهان و مخفی است. سیاست بزه پوشی جرائم منافی عفت، منافی حق عدالتخواهی بزه دیده و به معنای نادیده گرفتن نظم عمومی و امنیت اخلاقی جامعه نبوده و در مواردی که جرم دارای شاکی خصوصی باشد یا در مرئی و منظر عام واقع شود یا به صورت عنف یا سازمان یافته باشد، قابل اجرا نیست. مطرح شدن مستقیم جرائم منافی عفت در دادگاه (و عدم تعقیب و تحقیق در دادرسی)، از اطلاع دادرسی جلوگیری کرده و موجب تسریع در رسیدگی می شود. بازگو کردن جرم به وقوع پیوسته از سوی بزه دیده در مراحل مختلف دادرسی اعم از دادرسی که منجر به مداخله افراد بیشتری در حوزه رسیدگی به جرم می شود، خود می تواند موجب مفسده بوده و زمینه بزه دیدگی مضاعف فرد را فراهم آورد. تحولات و نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری در زمینه رسیدگی به جرائم منافی عفت با انطباق بر سیاست بزه پوشی اسلام که منجر به حفظ آبرو و شخصیت افراد، عدم تجاوز به حریم خصوصی، عدم قبح زدایی و عادی سازی جرائم منافی عفت می شود، مثبت ارزیابی می گردد.

فهرست منابع

۱. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۵.
۲. اصفهانی، راغب و ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، الدارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۳. بیهقی، ابی بکر احمد بن حسین بن علی، سنن بیهقی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۴۴ ق.
۴. توجهی، عبدالعلی و رحمان صبوچی، سیاست جنایی بزه پوشی در حدود (با تأکید بر جرایم منافی عفت)، مجله دادرسی، ۱۳۹۳، شماره ۱۰۸.
۵. توجهی، عبدالعلی و محمد هادی توکل پور، دادرسی افتراقی در جرائم منافی عفت، تهران، دایره المعارف علوم جنایی (علوم جنایی حقوقی)، میزان، ۱۳۹۷.
۶. حقیقی، نصرالله، سید رضا احسان پور، فرامرز قلی پور و ابوالفضل شاکری، تبیین رویکردهای نوین بزه دیده مداری در جرائم منافی عفت، فصلنامه حقوق پزشکی ویژه نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، ۱۳۹۹.
۷. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش شهردانش، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد اول، تهران، موسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۶۳ ش.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد بیست و سه، تهران، موسسه لغت نامه دهخدا، ۱۳۶۳ ش.
۱۰. رساله
۱۱. زارعی محمودآبادی، مهدی، واکاوی بزه پوشی در قوانین کیفری ایران، مجله مطالعات حقوقی، ۱۳۹۶، شماره ۱۷.
۱۲. شیدائیان، مهدی و زینب شیدائیان، رویکرد قانون آیین دادرسی ۱۳۹۲ به جرائم منافی عفت، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۹۷، شماره ۱۰۱.

۱۳. شیدائیان، مهدی و یزدان نصرتی، شناسایی و چالشهای تعقیب کیفری با نگاهی به حقوق انگلستان، فصلنامه دبدگاههای حقوق قضایی، ۱۳۹۷، شماره ۸۲.
۱۴. صادقی، محمد هادی، گرایش کیفری سیاست جنایی اسلام، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳.
۱۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تهران، المکتبه المرتضویه لاحیاء الاثار الجعفریه، ۱۳۸۷ قمری.
۱۶. عاملی، حمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، موسسه آل بیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۷. قیاسی، جلال الدین و دیگران، *مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی*، جلد اول، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۱۸. گلدوست جویبار، رجب و قلی پور جمنانی، فرامرز، عدول از اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در قانون آیین دادرسی کیفری، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۹۴، شماره ۹۲.